



گرایش فطری کودکان به «تربیت جمالی»

پدر و استاد، مخالفت یا مقاومتی داشته باشند یا از چرایی دستوره‌های آنان پرسش کنند و در مواجهه با معارف دینی و فرمان‌های شرعی یا تعلیم و آداب تربیتی نیز حق سؤال و تأمل یا چالش را نداشته‌اند. اما در عصر حاضر، فرزندان ما می‌خواهند همه چیز را بدانند و در مقابل هر چیزی علامت‌سوالی بگذارند. آن‌ها به زیبایی‌ها و مهرورزی‌ها علاقه‌افر دارند و دوست دارند هر کاری را آزادانه و به دور از تکلیف و جبر انجام دهند. اگرچه این ویژگی‌ها اکنون صورتی افراطی یافته و نیازمند کنترل و تعدیل‌اند، اما آنچه قطعی است اینکه در تعلیم و تربیت دیگر نمی‌توانیم از روش جبری و استیلائی گذشته استفاده کنیم. لازم است روش «تربیت جمالی» را به کار ببریم؛ تربیتی که بیشترین عنایت معقول را به مقولات چهارگانه فوق دارد.

← رویکرد جمالی در منش و رفتار معلمان

اولین گام در این زمینه آن است که خودمان منش و رفتاری جمالی

← در مبحث گذشته بیان کردیم که خداوند دو گونه صفت دارد؛ صفات جمالی و صفات جلالی. اصالت و اولویت از آن صفات جمالی است و از آنجا که والدین و معلمان نمایندگان خداوند در ربوبیت و پرورش فرزندان و شاگردان هستند، لازم است آن‌ها نیز صفات جمالی را در خود تقویت کنند و تعلیم و تربیت خویش را بیشتر بر مبنای این صفات جمالی طراحی و به اجرا درآورند.

نکته مهم دیگری که لازم است بدان توجه داشته باشیم، این است که کودکان و نوجوانان بیش از ما بزرگ‌ترها زبان زیبایی و لطافت و دوستی را می‌فهمند. آن‌ها چون به فطرت الهی نزدیک‌ترند و جویبار وجودشان هنوز آلوده نشده و ذهنشان از مفاهیم گوناگون آکنده نگشته است، رابطه قوی‌تری با صفات جمالی خداوند دارند و این فرصتی بی‌نظیر برای معلمان است تا بر این امواج فطری شاگردان خود سوار شوند و با استفاده از بادهای موافق کشتی تربیتی خود را به حرکت درآورند و در زمانی بسیار کوتاه‌تر آن را به ساحل مقصود برسانند.

← دو رویکرد تربیتی در گذشته و اکنون

از حیث فرهنگی، به کودکان ما سرایت می‌کنند و در آینده نیز به‌طور طبیعی رو به فزونی خواهد گذاشت. در چنین فضایی، دیگر نمی‌توان تربیت را در قالب‌های به نسبت جبری گذشته به اجرا درآورد. در گذشته، رابطه پدران، فرزندان، معلمان و شاگردان از نوع استیلائی و صرفاً تکلیفی بود. فرزندان و شاگردان نمی‌توانستند در قبال فرمان‌های

در عصر حاضر، مفاهیمی مانند «آزادی‌خواهی»، «حقیقت‌جویی»، «زیبایی‌گرایی» و «محببت‌ورزی» با تمامیت هرچه بیشتری وارد عرصه زندگی مردم و به‌خصوص نسل جوان شده است. این مفاهیم روان‌شناختی، هم از نظر وراثتی، هم از نظر تربیتی و هم

داشته باشیم و خود را با صفات جمالی خداوند هماهنگ کنیم. بدیهی است این هماهنگی در صفات و شخصیت درونی، تجانس و تقرب هرچه بیشتر ما به خداوند را در پی دارد که بخشی مهم از دینداری اصیل و استوار است. هدف دینداری رسیدن انسان به مقام خلافت و جانشینی خداوند است و این خلافت نیز بدون همگونی صفاتی ممکن نیست. البته خلافت الهی درجه‌های گوناگون و ماهیتی تشکیکی و ذومراتب دارد و برترین مرتبه آنکه «خلافت مطلق»، کامل و همه‌جانبه است؛ اختصاص به انسان کامل و معصوم الهی دارد و او مظهر همه صفات کمالی خداوند است.

هر معلمی که خود را به صفات جمالی خداوند نزدیک و با آن‌ها هماهنگ کند، به دلیل تقرب به خداوند و اتصال درونی‌اش با صفات الهی، به لطافت و جذابیتی دست می‌یابد که تأثیرگذاری او بر شاگردان را به حداکثر ممکن می‌رساند و از آنجا که شاگردان نیز از اصالت فطری و لطافت ذاتی برخوردارند، مجذوب معلم خود می‌شوند و بیشترین هماهنگی را با او خواهند داشت؛ بلکه محبتی وافر به وی داشته و او را الگوی رفتاری و منشی خود در زندگی قرار می‌دهند.

← رویکرد جمالی در آموزش

رویکرد جمالی در تعلیم و آموزش سبب می‌شود بیشترین تمرکز را بر تعمیق شناخت و معرفت دانش‌آموزان نسبت به «خود» و «جهان» و «خدا» و «دین» داشته باشیم و با دادن تصویری درست و هماهنگ با فطرت آنان، شوق زندگی و امید و بالندگی را در آنان تقویت کنیم و با احترام گذاشتن به جایگاه انسانی آن‌ها و توجه داشتن به تفاوت‌های فردی و ارج نهادن به حق انتخاب خدادادی‌شان، احساس هویت و شخصیت را در آن‌ها افزایش دهیم و انگیزه علمی‌شان را عمیق و دوچندان کنیم.

رویکرد جمالی در عرصه‌های جهان‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و دین‌شناسی خود را به‌صورت زیر نمایان می‌کند و بنیان‌های ذهنی و

احساسی شاگردان را تحت‌تأثیر مثبت قرار می‌دهد:

جهان‌شناسی

جهان‌آفرینش جهانی منظم و هدفمند است که قوانینی ثابت بر آن حاکم و واجد نعمت‌های گوناگونی است که تأمین‌کننده نیازهای انسان و دیگر موجودات زنده است و آن‌ها را برای رسیدن به کمال شایسته خود یاری می‌رساند. دقت و تأمل جدی در ظرایف و قوانین جهان نشان می‌دهد این جهان زاینده اتفاق نیست و دستی قدرتمند و مهربان، جهان و امور آن را تدبیر می‌کند که همان خدای بزرگ و مهربان است. جهان هستی صحنه ضیافت خداوند مهربان برای انسان و کشتزاری برای اعمال نیک و مهرورزی او نسبت به دیگران و بستری برای رشد و کمال روحانی اوست که نتیجه آن را در همین جهان و به وجهی اعجاب‌آور و بی‌نظیر در جهان دیگر دریافت می‌کند.

خداشناسی و انسان‌شناسی

خداوند خالق و پروردگار مهربان و توانای جهان است که انسان و موجودات دیگر را به عبث نیافریده است. او مخلوقات خود را دوست دارد و آن‌ها را برای رشد و کمال و توسعه وجودی آفریده است. او انسان را ارشد آفرینش و دستیار خود در اداره جهان و دیگر مخلوقات قرار داده و دوستدار خوش‌بختی و سعادت او در دنیا و آخرت است. خداوند ما را برای بهشت و بهشت را برای ما آفریده است؛ بهشت و جهنم باطن و حقیقت رفتارها و صفات خوب و بد ماست که در دنیای دیگر به گونه‌ای بسیار قدرتمند و زیبا و لذت‌بخش یا دردناک و کریه و وحشتناک برای ما رخ می‌نمایند.

اگرچه خداوند خالق همه هستی و عرصه‌های آن است، اما آنچه در جهان دیگر اصالت دارد و به‌عنوان نتیجه مطلوب و مورد نظر خداوند از زندگی دنیا تلقی می‌شود، زندگی فوق‌العاده انسان در بهشت و برخورداری بی‌نهایت او از نعمت‌های الهی است و جهنم، نه مطلوب خداوند، که زاینده انحراف

انسان از فطرت پاک خود و انتخاب‌های نادرست و رفتارهای ناشایست اوست.

دین‌شناسی

براساس تصریحات مکرر قرآن کریم، انسان مخلوقی ویژه^۱ و دارای روح الهی^۲ است و سطح وجودی او برتر از جهان مادی است. او موجودی استثنایی است که تنها در جوار خداوند بزرگ و مهربان و با یاد او آرام می‌گیرد و هیچ‌گاه نعمت‌ها و جاذبه‌های گوناگون جهان مادی نمی‌تواند روح بی‌نهایت‌خواه او را سیراب کند.

چنین انسانی، اگر هویت بزرگ و الهی خود را نشناسد و خود را به گونه‌ای دیگر از حیوانات بداند و در جاذبه‌های کوچک دنیایی غرق شود، در چاه حقارت می‌افتد و برای رسیدن به لذت‌ها و قدرت‌های ناپایدار این جهان، آلوده به ظلم و آزار دیگران می‌شود و جهنمی دنیایی با نبوهی از رنج‌ها و تاریکی‌ها را برای دیگران و خود ایجاد می‌کند، اما اگر به هویت عظیم خود پی ببرد و در مسیر کمال شایسته‌اش حرکت کند، چراغ راهی پر نور و یآوری مهربان برای دیگران و بهشتی سرشار از آرامش و شادمانی برای خود و دیگران خواهد بود.

دین الهی پیام بشارت خداوند برای انسانی است که با عنایت ویژه او را آفریده و از روح خود در او دمیده و دوستدار سعادت و خوش‌بختی او در دنیا و آخرت است؛ «دین» یعنی آیین زندگی و نقشه راه «رشد و کمال» انسان. آموزه‌های دین الهی برای رشد و سعادت انسان در سه بخش ارائه شده‌اند؛ بخشی برای شناخت و آگاهی (معارف و اعتقادات)، بخشی برای تقویت صفات انسانی و کسب فضائل اخلاقی (اخلاق) و بخشی برای عملگرایی و انجام رفتارهای نیکو نسبت به خود و دیگران که ضامن سلامتی و سعادت دنیوی و اخروی ماست (احکام). ■

پی‌نوشت‌ها

۱. مؤمنون/ ۱۴ و ص/ ۷۵.

۲. ص/ ۷۲ و حجر/ ۲۹ و سجد/ ۹.